

## ادبیات معاصر

۱-۳. ادبیات معاصر ایران، اسماعیل حاکمی والا، چاپ سوم، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۵.

نثر نویسنده کتاب ساده و روان و منطبق با موازین دستوری و در عین حال دارای پختگی لازم نثر دانشگاهی است و در مجموع بلیغ، فصیح و دور از ابهام است و در ساختار جملات به لحاظ قواعد نحو زبان لغزش و خطایی دیده نمی شود و جملات دستورمند است.

در متن کتاب علاوه بر واژه‌های تخصصی ادبی از برخی واژگان غیر تخصصی که بعضاً اداری و سیاسی و اجتماعی اند استفاده شده و گاهی در بحث شعر دوره مشروطه اصطلاحات با تلفظ زبان اصلی به کار رفته است مثل «فاکولته»، «استامپ» (در ص ۱۹).

محتوای کتاب به لحاظ علمی و تخصصی برای ۴ واحد درس ادبیات معاصر نظم و نثر در رشته زبان و ادبیات فارسی کافی نیست؛ زیرا مطالب کتاب به صورت کلی ارائه گردیده است و از جامعیت لازم به لحاظ مطالب مطرح شده برخوردار نیست و بدین دلیل کتاب از شکل تخصصی و علمی خارج شده و صورت عمومی یافته است. به طور کلی می توان گفت کتاب به شکل تاریخ ادبیات و یا به عبارت بهتر به شکل تذکره درآمد است و فاقد نقد و تحلیل درباره ساختمان بیرونی و درونی شعر و ادب است.

در کتاب حاضر نظم و ترتیب منطقی مطالب رعایت نشده است و بهتر است برای رفع نقایص بنیادین کتاب مطالب به ترتیب زیر ارائه شود:

بخش اول: ادبیات مشروطه

۱. فصل اول نثر

۲. فصل دوم شعر

بخش دوم: ادبیات معاصر

۱. فصل اول نثر: ۱. نثر تحقیقی یا دانشگاهی ۲. نثر ادبی یا غیر دانشگاهی ۳. نثر

روزنامه‌ای ۴. نثر خطابی ۵. نثر ابداعی یا تخیلی: داستان، نمایشنامه، فیلمنامه

۲. فصل دوم شعر: ۱. غرب گرایان ۲. سنت گرایان ۳. عرفان گرایان

درباره شاعران مشروطه نیز بهتر است طبقه‌بندی بر اساس مشترکات باشد. مثلاً بهار، دهخدا و ادیب مشترکاتی دارند و آن غلبه شکل بیرونی و درونی شعر کلاسیک بر ساختمان شعر آنهاست. عشقی، عارف و سیداشرف الدین گیلانی نیز وجوه اشتراکی دارند و آن توجه بیش از اندازه آنان به زبان مردم روزگارشان است. فرحی‌یزدی و ابوالقاسم لاهوتی از لحاظ توجه به ادبیات کارگری با هم مشترک‌اند و سایر شاعران نیز به همین لحاظ قابل طبقه‌بندی‌اند.

در تجدید چاپ کتاب باید موارد ذیل مطمح نظر قرار گیرد:

۱. توجه به مسائل ادبی سه‌دهه اخیر به‌ویژه ادبیات انقلاب اسلامی؛
۲. توجه به مبانی و گرایش‌ها و جلوه‌های فرهنگ بومی در ادبیات معاصر؛
۳. تقسیم‌بندی مباحث بر اساس معیارهای مطرح شده یا دیگر موازین علمی؛
۴. توجه به اصول و موازین نقد و جریان‌های ادبی، نظریه‌ها و مکاتب ادبی؛
۵. ذکر کامل منابع و مأخذ در متن و پایان کتاب.